«شنای پروانه» در جنوب تهران

فیلمبرداری «شنای پروانه» نخستین فیلم سینمایی محمد کارت در جنوب تهران در حال انجام است. به گزارش جام جم، فیلمبرداری این فیلم در مناطق جنوب شهر تهران آغاز شده است. سیدمازیار هاشمی به عنوان مجری طرح در این پروژه سینمایی حضور دارد و این فیلم جهت شرکت در جشنواره فیلم فجر سال جاری آماده نمایش می‌شود. در این فیلم سینمایی بازیگرانی همچون جواد عزتی، طناز طباطبایی، امیر آقایی، پانته‌آ بهرام، علی شادمان، نیره فراهانی، مهدی حسینی‌نیا، ایمان صفا، مه‌لقا باقری، نادر شهسواری و با معرفی آبان عسکری به ایفای نقش می‌پردازند.

فیلمنامه این فیلم که مضمونی اجتماعی دارد، توسط محمد کارت، حسین دوماری و پدرام پورامیری نوشته شده و در خلاصه داستان آن آمده است: «در جنوب شهر، شنای پروانه توفان به پا می‌کند». رسول صدرعاملی، تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده دارد و محمدصادق رنجکشان، سرمایه‌گذار فیلم است.

آرش یزدانی، بدلکار سینمای ایران از مشکلات این حرفه پرخطر می گوید

رکورد جکی چان را زدم!

علی رستگار

سینما

بدلکاری و اجرای صحنه‌های خطرناک و اکشن سینمای ایران، تاریخی به درازای خود سینمای ما دارد و افراد زیادی برای افزایش هیجان فیلم‌ها زحمت کشیده‌اند و با کمترین امکانات و ایمنی خودشان را به عشق سینما به آب و آتش زدند. با آمدن پیمان ابدی به کشور، این حرفه جایگاه خود را بیشتر به دست آورد و دست کم مردم آگاهی کاملتری نسبت به بدلکاری و بازیگری اکشن پیدا کردند. اما مرگ تلخ و ناگهانی ابدی در یکی از فیلم‌ها، شوک بزرگی به این حرفه وارد کرد و حتی تا مدتی باعث شد کمتر تهیه کننده و کارگردانی سراغ بدلکاران برود. ولی این رکود، زود سپری شد و بدلکاران جوان و توانمند دیگری رونقی به بدلکاری دادند. این گروه‌ها به اضافه افراد و گروه‌های باتجربه و کاربلد دیگری که حتی قبل از ابدی مشغول به کار بودند، باعث شدند سازندگان آثار سینمایی و تلویزیونی دوباره به بدلکاری ایران اعتماد کنند و نتایج خوبی هم از این اعتماد به دست بیاورند. به بهانه سالروز تولد زنده یاد پیمان ابدی که همین تازگی‌ها بود، سراغ آرش یزدانی یکی از بدلکاران و بازیگران اکشن کاردرست سینما و تلویزیون ایران و سرپرست گروه بدلکاری گردباد رفتیم تا درباره خطرات و مشکلات این حرفه پرخطر و البته جذاب حرف بزنیم.

اصلا ترس برای شما و بدلکاران و بازیگران صحنه‌های سخت و اکشن معنی دارد؟

کسی که ترس داشته باشد، نمی تواند بدلکار خوبی باشد. اما از طرف دیگر اینکه بخواهیم بگوییم بدلکاران نمی ترسند، دروغ است. بدون استثناء ترس در همه بدلکاران و بازیگران اکشن، وجود دارد، منتهی آن چیزی که باید آن را بلد باشند و انجام دهند، کنترل ترس است. بدلکاران با علم و تجربه، به ترس خود غلبه می کنند تا صحنه‌های خطرناک فیلم‌ها و سریال‌ها را بدون مشکل و حادثه انجام دهند. متاسفانه برخی افراد در حرفه بدلکاری فعالیت می کنند که صرفا روی نترس بودنشان حساب باز می کنند و شاید از روی غرور، دنبال علم این کار نمی روند.

تهیه کننده‌های سینمای ایران چقدر برای صحنه‌های اکشن و بدلکاری دست به جیب می شوند؟

بیشتر فیلمسازان و سازندگان آثار سینمایی ما دلشان نمی خواهد برای صحنه‌های بدلکاری و اکشن هزینه کنند و امکانات و خواسته‌های موردنیاز بدلکار را تامین کنند. به عنوان مثال در همین کاری که پیمان ابدی جان خود را از دست داد (فیلم تلویزیونی چشمهای نامحسوس)، من و سه نفر دیگر از دوستان (ناصرعرب‌زاده، سینا مافی و تورج اجلی) قبلش با حاج آقا صدیقی، تهیه کننده کار قرارداد داشتیم. ما جزو اولین کسانی بودیم که در ایران، تصادف و ماشین چپ می کردیم و کارهای روز اکشن را انجام می دادیم. چطور شد که آقای صدیقی، قرارداد ما را لغو کرد و با پیمان قرارداد بست؟ برای اینکه ما از او امکاناتی همچون آتش نشانی، آمبولانس، جرثقیل و چیزهای دیگر خواستیم، اما پیمان رودربایستی کرد و متاسفانه بعدش هم آن اتفاق تلخ افتاد. شما فکر کنید، بدلکار سریال کبری ۱۱ وقتی در آن صحنه بدلکاری و بعد از انفجار اتوبوس در آتش گرفتار شد، بعدا از آتش نشانی خواستند که سر صحنه حاضر شود! رفیقم که در آتش نشانی جنت آباد بود، به من گفت ما وقتی سر صحنه رسیدیم که کار پیمان دیگر تقریبا تمام بود. شما صحنه ای دارید که می خواهید اتوبوس را به کوه بکوبید و بعد هم آن را به ته دره بیندازید، صحنه، مشابه کارهای هالیوودی است، بنابراین باید همه جوانب ایمنی در آن رعایت شود، اما خدا پیمان را رحمت کند، نمی دانم پیش خودش چه فکری کرد که حاضر به انجام بدلکاری آن صحنه شد. درست است که ما ابتدا قرارداد داشتیم و قرار بود این کار را ما انجام دهیم، اما دلمان که نمی‌خواست اتفاق بدی برای پیمان بیفتد. این اتفاق ممکن بود و هست برای هر کدام از ما و بدلکاران دیگر هم رخ می‌داد. پیمان حیف شد.

بعد از مرگ پیمان ابدی، وضع بدلکاری در سینمای ایران چطور شد؟ یعنی بدلکاران دیگر انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت و ادامه دادن راه او پیدا کردند یا تهیه کننده‌ها ترسیدند و دیگر کمتر کسی سراغ بدلکاری رفت؟

بعد از فوت پیمان، تا مدتها هیچ کس سمت دنیای اکشن و بدلکاری در سینمای ایران نرفت. همه از ترس اتفاقی که برای پیمان افتاده بود، سراغی از صحنه‌های خطرناک و اکشن نمی گرفتند. اما من در مصاحبه ای که با رادیو نمایش داشتم، از بدلکاران دیگر صحبت کردم و گفتم همه بدلکاران سینمای ایران در کنار هم هستیم و هیچ خلاء و ضعفی نداریم. در همان مصاحبه از زنده یاد ابدی و خانواده اش قدردانی کردم. اما متاسفانه برخی از همان افرادی که در آن گفت‌وگو از آنها به نیکی یاد کردم، حالا مرا قبول ندارند.

پس با این صحبت‌ها هیچ انسجام و وحدتی میان خود بدلکاران سینمای ایران هم وجود ندارد.

اصلا وجود ندارد. ضمن اینکه برخی از این عزیزانی که حالا خودشان را پیشکسوت بدلکاری می دانند و برای هم نوشابه باز می کنند و اعتنایی به ما نمی کنند، دوره بدلکاری حرفه ای و دنیای اکشن را به ما آموزش ندادند، چون خودشان هم بلد نبودند و نیستند. یک شب یکی از همین بدلکاران پیشکسوت با من تماس گرفت و گفت برای فیلم پرچمهای قلعه کاوه، صبح فردا در شهرک سینمایی (غزالی) حاضر باش. پرسیدم کارش چیست؟ گفت: یک ارتفاع دو سه متری داریم که می خواهیم شما جای یکی از شخصیتهای مغول بپرید. من همراه چند نفر دیگر از دوستان بدلکار رفتم آنجا و دیدم دیوارهای قلعه را به ما نشان دادند که حدود ۱۲ متر بود! درحالیکه اصلا آنموقع در سینمای ایران کسی نبود که بخواهد این پریدن و افت با این متراژ را به ما یاد دهد. شما فکر کنید وقتی من با لباس مغولی از آن ارتفاع پریدم، چه اتفاقی برای من افتاد. آن هم سقوط روی کارتنهای موز، درحالیکه در چنین پرش‌هایی باید از کارتن تخم مرغ استفاده شود که حالت فنری و نرمی دارد و ضرب را می گیرد. اما در پرچمهای قلعه کاوه چون مسؤول پیشکسوت بدلکاری تجربه خوبی نداشت، از کارتن موز استفاده کرد.

وقتی من از آن ارتفاع ۱۲متری پرت شدم، یک ردیف کارتن بیشتر خراب نشد و من بیهوش شدم. خود کارگردان و حبیب بخشایش به من آب دادند و مرا به هوش آوردند. با همه اینها تلخ ترش این است که اسم من در عنوان بندی پرچمهای قلعه کاوه هم وجود ندارد. یا در نمونه دیگر، من ۲۲ روز در سریال نردبام آسمان کار کردم، اما باز هم اسم من در عنوان بندی آن مجموعه نیامد. آن هم در شرایطی که من کارنامه پروپیمانی در این زمینه داشتم.

دلیل اصلی این حذفها چیست؟

برای اینکه من به کار آنها ایراد می گرفتم و معتقد بودم برخی افرادی که خودشان را پیشکسوت می دانستند و کارهایی از ما می‌خواستند را اصلا به ما آموزش نداده بودند. برای همین اعتراضها هم دوست نداشتند اسم من مطرح شود.

احیانا خارج از فضای حرفه ای، در جاهای دیگر هم ممکن است بدلکاری و کارهای خطرناک اکشن را انجام دهید؟

نه، بااینکه به ما پیشنهاد می شود اما من صلاح نمی بینم. به عنوان مثال به من پیشنهاد شد در برج میلاد، خودم را آتش بزنم یا کارهای خطرناک دیگری انجام دهم، اما آن را قبول نکردم. ببخشید، ما بدلکاریم، دلقک که نیستیم! حرفه ما اصلا جدا از دلقک بازی است.

می گویند بدلکاران، به دلیل کارهای خطرناکی که در فیلم‌ها انجام می دهند، پول خونشان را می گیرند! واقعا دستمزدتان چقدر است؟

خدا شاهد است، اینطوری نیست. خانه سینما می گوید برای چپ کردن یک ماشین، دستمزد یک بدلکار ده میلیون تومان است، اما هیچ کس تا به حال این رقم را دریافت نکرده است. برای اینکه چند گروه بدلکاری در سینمای ایران وجود دارد که سر قیمت با هم رقابت می کنند. من گروهی سراغ دارم که برای دو میلیون تومان رفت و ماشین چپ کرد. حدود یک سال و نیم پیش از دفتر حس هفتم کاری به من پیشنهاد شد که چون قبلا با آنها کار کرده بودم قرار شد با دستمزد سه میلیون تومان آن را انجام دهم؛ یک تصادف بود و پرت شدن یک مسافر از اتوبوس. درنهایت نشد من در این کار باشم و یک بدلکار دیگر آن را با ۸۰۰ هزارتومان انجام داد! چون بیشتر تهیه کننده‌ها و فیلمسازان هم دنبال این هستند که از هزینه‌های تولید کم کنند، ترجیح می دهند پول کمتری خرج کنند.

ظاهرا بدلکاران بیمه هم نیستند، درست است؟

در خود پروژه‌ها چرا، اما اگر اتفاقی بیفتد معمولا چندان همراهی و حمایت کامل درمانی هم از سوی سازندگان آثار صورت نمی گیرد. اما بیمه بدلکاران دیگر حداقل انتظاری است که ما از خانه سینما داریم.

معمولا دیده ایم که برخی بازیگران مشهور سینمای جهان، گاهی عکس‌های مشترکی با بدلکارانی که صحنه‌های خطرناک و اکشن را به جایشان بازی می کنند، منتشر می کنند و با مهر و محبت درباره آنها حرف می زنند، در ایران رابطه بازیگران سینما با بدلکاران چطور است؟

سر فیلم سینمایی کامیون ساخته آقای کامبوزیا پرتوی، یک صحنه بدلکاری داشتم و در گرانترین اتوموبیلی که در ایران در بدلکاری استفاده شده، یک بی ام دبلیو ۵۳۰ نشستم و با یک کامیون تصادف کردم. من در آن صحنه جای خانم نیکی کریمی پشت فرمان بودم. وقتی این کار را انجام دادم و از ماشین پیاده شدم، سمت خانم کریمی رفتم و از ایشان خواستم عکسی به یادگار با هم بگیریم. اما ایشان اجازه ندادند و محترمانه گفتند باشید، خبرتان می کنم! این درحالی بود که من چند دقیقه قبل جای ایشان نشستم و بدلکاری کردم و یک کامیون به من زده است. دلیل این بی‌اعتنایی چیست؟ به خاطر اینکه بعدا ادعا کنند من خودم پشت فرمان نشسته بودم. اما خانم نیکی کریمی به من افتخار ندادند یک عکس با من بیندازند.

در این زمینه بازیگر بامعرفت و همراهی سراغ دارید؟

بله، یک سری از بازیگران خیلی بامعرفت هستند که آدم از این همه خوبی آنها خجالت می کشد. مثلا آقای امین زندگانی که خیلی خاکی است یا خانم شقایق فراهانی که سر یکی از این فیلم‌ها خودش سراغ گروه بدلکاری آمد و گفت بچه‌ها با من عکس می اندازید؟

چند تا زخم بدلکاری در صورت و بدن دارید؟

جکی چان تا به حال ۱۱ بار به خاطر بدلکاری بدنش دچار شکستگی شده است، اما من آرش یزدانی ۱۲ بار بدنش شکسته است!

یعنی رکورد جکی چان را هم زده اید؟

(می خندد) مثل اینکه. در آخرین آسیبی که چند سال پیش دیدم، باعث شد تا مدتی نتوانم درست راه بروم.

پس هر کدام از این شکستگی‌ها و آسیب دیدنها، شما را تا یک قدمی مرگ قرار می دهد.

بله، یکی از این آسیبها، به مهره چهارم و پنجم کمرم وارد شد که اگر کمی جدی تر بود، باعث قطع نخاع می شد.

> به خانه سینما پیشنهاد دادم، سایت و سامانه و ستونی برای صنف بدلکاران ایجاد شود تا طی آن بدلکاران و شاخه‌های تخصصی و توانمندی‌های آنها همراه کارنامه و نمونه کارهایشان معرفی شوند

> امیدوارم بدلکاران به جایگاهی برسند که در جشنواره‌ها از آنها قدرانی کنند و به آنها جایزه بدهند. خطرناکترین کارها را بدلکارها انجام می دهند

بدون تعارف

بگذارید چیزی را بدون تعارف بگویم. بااینکه قبل از پیمان ابدی هم کارنامه اکشن روز دنیا را در سینمای ایران داشتیم، وقتی پیمان وارد ایران شد، بطور خودکار تقریبا همه بدلکاران ایران بیکار شده بودند. به این دلیل که پیمان، قدرت بیشتری در دنیای اکشن داشت. این یک حقیقت و واقعیت است، منتهی عمر پیمان وفا نکرد که شاگردهای حرفه ای پرورش دهد. البته چند نفری ادعا می کنند که شاگرد پیمان هستند. یکی از آنها یک کارت بدلکاری بین المللی دارد و مدعی است که کارهای بین المللی انجام می دهد، اما او این کارت را چند سال پیش با ۴۰۰ دلار خریده و عکس آن را هم در صفحه شخصی اش در اینستاگرام گذاشته است! این در حالی است که این آقا دوره بازیگری اکشن را ندیده است. او چند سال قبل مدعی شد که در یکی از فیلم‌های جیمزباند، طراحی اکشن و بدلکاری کرده است. اما دو سه سال پیش که استنلی تانگ، بدلکار و کارگردان فیلم‌های جکی چان به پردیس سینمایی ملت آمد و وقتی این بدلکار ایرانی میان جمع و در حضور تانگ، ادعایش را درباره طراحی اکشن و بدلکاری فیلم جیمزباند مطرح کرد، تانگ گفت طراح فیلمی که می گویی، رفیق من است و چطور شما می گویی من طراح بدلکاری آن فیلم بودم؟ که بدلکار ایرانی جا خورد و گفت من فقط آنجا بدلکاری کردم. من بارها از او و دوستان این چنینی خواستم اگر به خارج از کشور می روید و مدعی می شوید در فلان فیلم کار کرده اید، صرفا به انتشار عکس با فلان بازیگر و کارگردان بسنده نکنید و کارنامه رو کنید و اسم فیلم را هم ذکر کنید. اما هیچ وقت کارنامه ای رو نشده است. حتی یکی از بدلکاران، عکسی با جکی چان منتشر کرد و گفت من یک هفته در پروژه او کار کرده‌ام. من در اینستاگرام به او گفتم، کمتر دروغ بگو و کمتر این مدلی خودت را گنده کن! تو با این کارهایت، یک صنف را نابود می کنی. بعد از درخواستم، او مرا بلاک کرد. همه بدلکاران ایران با همدیگر جمع شوند و نزد جکی چان بروند، او آنها را قبول نمی کند! او نیازی به بدلکاران و بازیگران اکشن ما ندارد. او با آدمی مثل بروس لی کار کرده است. جکی چان یک تیم مستقل اکشن و بدلکاری دارد. سال گذشته در هالیوود به عنوان بازیگر موفق اکشن جهان به او جایزه دادند. او چه نیازی به من و دیگر بدلکارانی مثل من دارد. همین بدلکار ایرانی که در همین همایش با جکی چان عکس گرفته و بعد مدعی شد که با او کار کرده، شاگرد اخراجی پیمان ابدی است. یک روز پیمان همراه همین آقا و دو سه نفر دیگر به مجلسی دعوت می شوند. بدلکار موردنظر ما می گوید من می خواهم بدلکاری انجام دهم و خودم را آتش بزنم. پیمان به او می گوید تا وقتی من هستم، تو چرا چنین حرفی می زنی. ما اینجا مهمان هستیم، دلقک که نیستیم. با این وجود دوست بدلکار ما که هنوز کار آتش را کامل یاد نگرفته بود، علیرغم ممانعت پیمان، این کار را انجام می دهد اما دستش می سوزد. پیمان هم به او می گوید از فردا حق نداری به کلاس من بیایی.

مافیابازی

ما قبلا که با خانه سینما کار می کردیم، به پروژه‌های مختلف معرفی می شدیم. کار را ما انجام می دادیم اما به اسم دیگران تمام می شد. آنها هزینه اصلی را در جیب خودشان می‌گذاشتند و سهم ناچیزی را که دلشان می خواست به ما می‌دادند. برای همین گروهی راه اندازی کردیم به نام سایه پنهان با حضور افرادی چون ناصر عرب زاده که در دوره بازیگری اکشن، همکلاس من بود و حالا در بالیوود است. ما ۹ نفر توانستیم مدرک بازیگری اکشن را با تاییدیه وزارت ارشاد بگیریم، من و ناصر عرب زاده، مهدی جوزی که الان با خانه سینما همکاری دارد، ذبیح ا... عیوضی، رسول قره تپه، علیرضا یاوری و ... به نوعی بیشتر این دوستان چون حمایت نشدند، کنار کشیدند.

عرب زاده که به بالیوود رفت، من که گروه بدلکاران گردباد را راه اندازی کردم. جوزی هم که گروه صاعقه را تشکیل داد و ... خانه سینما چون مافیابازی در می‌آورد و بیشتر مواقع ما را خراب می کند و خودشان را رسمی می‌داند و ما را غیررسمی. الان ما صنف بدلکاران داریم، اما برای خودش کار می کند. وقتی من به خانه سینما مراجعه کردم، گفتند ما نیازی به شما نداریم. ما اینجا آدمهای خاص خودمان را در سطح بین المللی داریم. وقتی من همراه چند نفر دیگر از پیشکسوتان بدلکاری روز دنیا در سینمای ایران هستیم، برخی افراد در خانه سینما احساس خطر می کنند، چون چنانچه ما بخواهیم بیشتر کار کنیم و بیشتر دیده شویم، زنگ خطری برای این بعضی از این افراد خواهد بود و آنها خارج خواهند شد.

راش

مدرسه پیرمردها بعد از ۵۰ سال

اسماعیل میهن‌دوست، منتقد و کارگردان سینما که به‌تازگی مستند بلند «سرخپوستان نجفی» را کارگردانی کرده است، درباره جزئیات این مستند توضیحاتی ارائه کرد.

اسماعیل میهن‌دوست، در گفت‌وگو با مهر درباره جدیدترین فعالیت‌های خود گفت: به‌تازگی ساخت یك مستند بلند ۸۰ دقیقه‌ای با عنوان سرخپوستان نجفی را به اتمام رسانده‌ام که اولین نمایش آن در ۲۸ آبان در خانه هنرمندان تهران خواهد بود. فیلمبرداری این فیلم حدود سه سال طول کشید که ما در مقاطع مختلف در ارومیه و تبریز و به میزان اندکی هم در تهران مشغول به کار بودیم.

او درباره سوژه این مستند توضیح داد: سرخپوستان نجفی به طور کامل به زبان ترکی با زیرنویس فارسی تهیه شده است و درباره شروع دوستی مجدد جمعی بعد از ۵۰ سال است. این گروه که بین ۶۵ تا ۶۷ سال دارند ۵۴سال پیش با هم همکلاسی بودند.

او درباره شرایط اکران این مستند هم گفت: وزارت ارشاد متاسفانه برای نمایش عمومی این مستند ممیزی زیادی اعلام کرده که در صورت اعمال فیلم کاملا ابتر خواهد شد. از این رو من نپذیرفتم و فعلا در حال مذاکره هستیم. خوشبختانه با تك نمایش بدون ممیزی در خانه هنرمندان موافقت شده است.

این کارگردان گفت: برای من به‌عنوان یك فیلمساز مستقل امکان تامین سرمایه، گرفتن مجوز و عبور از موانع بروکراتیك برای ساخت فیلم سینمایی پشت‌سر هم به‌راحتی فراهم نیست، به همین دلیل در فاصله فیلم‌های سینمایی، مستند کار می‌کنم. در حال حاضر در حالی‌که مستند تازه‌ام با موضوع مهاجرت در مرحله تدوین قراردارد، مشغول نگارش فیلمنامه سینمایی بعدی‌ام با یکی از شاگردانم هستم.

عملکرد غلط مدیران سینمایی

دکتر محمود عزیزی، بازیگر سینما و تلویزیون با انتقاد نسبت به غیاب محتوای ارزنده در تولیدات سینمایی گفت: نبود محتوای سالم و شریف در فیلم‌ها به عملکرد غلط مدیران سینمایی و اعضای شوراهای ناکارآمد و متعدد زیرمجموعه سازمان سینمایی بازمی‌گردد و این افراد باید پاسخگوی چرایی این آشفته‌بازار باشند.

این عضو هیأت علمی و استاد دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با سینماپرس، افزود: در کشور ما هیچ سینماگری نمی‌تواند بدون مجوز سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبادرت به فیلمسازی کند پس اگر ما هر نوع ضعفی را چه از نظر ساختاری و چه از نظر محتوایی در فیلم‌ها شاهد هستیم به دلیل عملکرد غلط مدیرانی است که به این قبیل آثار مجوز می‌دهند.

او ادامه داد: وقتی سناریوهایی با کیفیت بسیار ضعیف تصویب می‌شوند و فورا پروانه ساخت و نمایش‌شان صادر می‌شود و در اکران هم نسبتا موفق عمل می‌کنند، تهیه‌کننده‌ها از این نوع آثار استقبال و به فیلمنامه‌نویسان سفارش نوشتن سناریوهایی بی‌محتوا می‌دهند. بنده باز هم تأکید می‌کنم اصل این داستان و ماجرا به تفکر و سیاستگذاری و خط مشی مدیران سیاستگذار در سازمان سینمایی بازمی‌گردد، آنها هستند که باید دغدغه‌مندانه ورود کنند و اجازه تولید و پخش چنین آثاری را ندهند.

عزیزی خاطرنشان کرد: اگر امروز صدای انتقادها و اعتراض‌های بسیاری نسبت به نبود محتوای ارزنده در آثار سینمایی بلند شده، این وظیفه مدیران سینمایی است که پاسخگوی این انتقادات باشند.